

سنجش میزان همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه اجتماعی

محمد عباس زاده،* موسی سعادت،** نصیبه دلیر هروی***

چکیده

خانواده جایی است که در صورت وجود روابط صمیمی در درون آن می‌تواند بهترین مکان برای رشد و شکوفایی عاطفی و جسمانی اعضای خانواده تلقی گردد، اما گاه در همین مکان انواع خشونت‌ها در مورد زنان اعمال می‌شود. به همین دلیل، مقاله حاضر با هدف سنجش همسرآزاری و عوامل مرتبط با آن نگاشته شده است. روش تحقیق از نوع پیمایش بوده و جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه زنان متأهل شهر تبریز به تعداد ۳۷۸۴۶۰ نفر بود که از این تعداد ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهد ۵۸ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری روانی، ۲۹ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جسمی، ۱۱ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جنسی و ۳۳ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری اقتصادی به وسیله متغیرهای اعتماد بین زوجین، حمایت دوستان، حمایت خانواده همسر زن و حمایت خانواده پدری زن تبیین شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مدل ساختاری، حمایت اجتماعی، اعتماد بین شخصی، همسرآزاری، زنان متأهل.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز m.abbaszadeh1@yahoo.com

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی saadati.2245@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی nasim_dh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۱۶

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۷۹-۱۵۳

مقدمه

همسرآزاری^{۹۴} یا خشونت خانوادگی^{۹۵} در مورد زنان در اشکال مختلف جسمی و روانی دارای عمری به قدمت تاریخ بشری است. واقعیتی تلخ و انکارناپذیر که زندگی و کرامت انسانی زنان را خدشه دار و صدمات غیرقابل جبرانی به آنان وارد می کند (مولاوردی، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۳). پدیده خشونت خانوادگی علیه زنان ریشه بسیاری از آسیب های فردی و اجتماعی تلقی می شود و در تمامی کشورهای دنیا، توسعه یافته و در حال توسعه، و در همه طبقات اجتماعی و اقتصادی، گروه های سنی و شغلی متفاوت به چشم می خورد (اعزازی، ۱۳۸۳: ۴۸). خشونت خانوادگی دارای عواقب جسمانی غیرکشنده مثل جراحی (از بریدگی تا شکستگی و آسیب ارگان های داخلی) و عواقب روانی مثل افسردگی، ترس، اضطراب، مشکلات تغذیه ای، اختلالات جنسی، وسواس و اختلال در عملکرد اجتماعی است (محمدخانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰).

به طور متوسط، قربانیان خشونت از سوی همسر، مراجعه به پزشکان، بستری شدن در بیمارستان و اعمال جراحی را در طی زندگی خود بیشتر از دیگران تجربه می کنند. همچنین خشونت همسر می تواند بر امکان اشتغال، میزان درآمد، عملکرد اجتماعی و توان زنان در حفظ شغل خود تأثیر بگذارد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۶). طبق نتایج پیمایشی دلبیو تی او^{۹۶} در سال ۲۰۰۲، احتمال اینکه زنانی که خشونت های خانگی را تجربه کرده اند دچار دردهای مزمن و ناتوانی در انجام امور شوند، نسبت به زنان خشونت ندیده، بیشتر است (هارنه و راد فورد، ۲۰۰۸: ۳۹-۳۸).

خشونت خانوادگی موضوعی است که پشت درهای بسته نگه داشته شده (سگال، ۱۹۹۹: ۲۱۳) و هر کدام از محققان عوامل مختلفی را برای بروز این پدیده اعلام کرده اند، اما به نظر می رسد از بین عوامل مختلف تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت علیه زنان به جهت شمولیت بالای آن از اهمیت بالایی برخوردار باشد؛ به این نحو که سرمایه اجتماعی به عنوان سپر و عامل محافظت کننده در برابر پیامدهای منفی بدرفتاری می تواند در پیش گیری از بروز اختلالات روانی قربانیان خشونت خانگی، مقابله بهتر با شرایط خشونت آمیز و کاهش بدرفتاری در

¹ Spouse abuse

² Domestic violence

⁹⁶ WTO

روابط زناشویی مؤثر باشد (پناغی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۰). ارتباط بین سرمایه اجتماعی و میزان آن در جامعه با مقولاتی از جمله پیش‌گیری و کاهش جرایم، خودکشی و خشونت‌های خانگی تأیید شده و بر نقش خانواده و دوستان به‌عنوان یکی از منابع حائز اهمیت سرمایه اجتماعی تأکید شده است. سرمایه اجتماعی در خانواده باعث فراهم آوردن شبکه حمایتی برای اعضای خانواده می‌شود. این حمایت همچنین می‌تواند خشونت خانگی را که اغلب تأثیر اساسی بر سلامت جسمی و روحی زنان دارد کاهش دهد (بهزاد، ۱۳۸۱: ۴۹). وقوع رویدادهایی همچون خشونت خانگی با اضطراب فراوانی توأم است. در چنین موقعیت‌هایی اگر زنان تصور کنند که کسی نیست تا از ایشان حمایت نماید، قادر به رویارویی با این رویداد استرس‌زا که سلامت آن‌ها را تهدید می‌نماید نخواهند بود (نامتی، ۱۳۷۵: ۴). به‌علاوه، شرط اساسی و سرآغاز هر رابطه انسانی نیاز به احساس اعتماد و قابلیت اتکا به دیگری دارد. لزوم این عنصر حیاتی در تمامی تعاملات و روابط اجتماعی در سطوح مختلف علی‌الخصوص در محیط خانوادگی، بین زن و شوهر، امری اجتناب‌ناپذیر است. در محیطی که اعتماد وجود داشته باشد، سبب‌های سهمگین کاهش یافته و درجه بردباری و شکیبایی افراد در برابر یکدیگر افزایش می‌یابد. بدین‌سان، هر اندازه اعتماد بین زن و شوهر بیشتر باشد و افزایش یابد، تعارض‌ها، اختلافات و اعمال خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۲).

بنابراین، از آنجا که زنان عامل امنیت خاطر و شکل‌گیری پیوندهای اخلاقی و عاطفی خانواده و به تبع آن جامعه هستند، این سؤالات مطرح است که اولاً خشونت علیه زنان در ابعاد مختلف در جامعه مورد مطالعه به چه میزان بوده و ثانیاً کدام‌یک از متغیرهای مورد استفاده توانسته‌اند بیشترین تأثیرگذاری را بر آن داشته باشند؟ در این مقاله تلاش بر این است که به سؤالات یادشده از جوانب مختلف پاسخی علمی ارائه گردد.

چارچوب نظری تحقیق

همسرآزاری یکی از مسائل مهمی است که از دیدگاه‌های مختلفی چون فرهنگی، سیاسی، جمعیت‌شناختی و بهداشتی مورد توجه قرار گرفته است. خشونت بین همسران در همه کشورها و در همه گروه‌های اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی رخ می‌دهد. در هر سال بیش از دو

میلیون زن از همسران بد رفتاری می‌بینند و بیش از ۵۰ درصد نیز به طریق‌های مختلف در زندگی‌شان قربانی خشونت می‌شوند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲).

سازمان بهداشت جهانی،^{۹۷} همسرآزاری را چنین تعریف کرده است: هر نوع خشونت میان همسران فعلی و قبلی در روابط صمیمی، در هر زمان و مکانی که این عمل اتفاق بیفتد. این خشونت ممکن است شامل خشونت فیزیکی، جنسی، عاطفی یا مالی باشد (استاندلی، ۲۰۰۶: ۱۱۴). بارنت همسرآزاری را الگویی از رفتارهای تهاجمی و اجباری شامل حملات فیزیکی، جنسی و روانی و همچنین فشار و تهدیدهای اقتصادی که افراد علیه جفت (شریک) صمیمی‌شان به کار می‌برند تعریف کرده است (اعزازی، ۱۳۸۳: ۵۰). خشونت خانگی می‌تواند در هر رابطه خودمانی و صمیمی یا روابط خانوادگی اتفاق بیفتد، که معمول‌ترین آن همسرآزاری یا خشونت شوهر علیه زن است. درست است در خشونت خانگی محل خشونت خانه است و به‌طور معمول در خانه اتفاق می‌افتد، ولی می‌تواند در خیابان‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، جاده‌ها و مواردی مانند آن نیز رخ دهد (هارنه و راد فورد، ۲۰۰۸: ۲-۳).

سرمایه اجتماعی از مفاهیم جدیدی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی، اجتماعی جوامع مدرن و در حال توسعه مطرح شده است. مفهوم یادشده در سال ۱۹۱۹ در مقاله‌ای توسط لیدا جی هنینن از دانشگاه ویرجینیای غربی برای نخستین بار مطرح شد (برامکی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی برای فهم تعاملات اجتماعی از دهه ۱۹۹۰ به بعد، از مقوله سرمایه اجتماعی استفاده کرده (بوردیو، ۱۹۸۴؛ پاتنام، ۱۹۹۵؛ فوکویاما، ۱۹۸۲؛ کلمن، ۱۹۸۸) و متذکر شده‌اند که برخلاف برداشت‌های سنتی از مفهوم سرمایه نظیر فیزیکی، مالی و انسانی، سرمایه اجتماعی از طریق یک شخص به تنهایی قابل حصول نیست و از طریق جمع محقق می‌گردد (هاندرسون و همکاران، ۲۰۰۳).

در دهه ۱۹۸۰، این اصطلاح توسط جیمز کلمن در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفت. سپس پیر بوردیو و رابرت پاتنام دانشمند علوم سیاسی بحث قومی و پرشوری را در مورد نقش سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی هم در ایتالیا و هم در ایالات متحده برانگیختند. به دنبال آن، مفهوم سرمایه اجتماعی به حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی گسترش یافت (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰). سرمایه اجتماعی مزایا و امتیازاتی است که به‌وسیله گروه‌هایی در

¹ World Health Organization

شبکه‌های خانگی و بیرون از آن به دست می‌آید (یونگ لارانس و لانه پورتر، ۲۰۰۴: ۶۷۷). چنانچه زنان به اندازه کافی از حمایت‌های عاطفی و ملموس شبکه‌های اجتماعی‌شان برخوردار باشند، تأثیر به‌سزایی در محافظت آنان در مقابل اضطراب و حوادث استرس‌زای زندگی نظیر خشونت‌های خانگی و به‌طور کلی هر آنچه سلامتشان را تهدید می‌کند خواهد داشت. حمایت اجتماعی تأثیرات منفی استرس را بر سلامت جسمی و روانی کاهش می‌دهد و موجب افزایش انعطاف‌پذیری افراد در برابر حوادث می‌شود و به احتمال زیاد از تأثیرات منفی خشونت می‌کاهد (استاج و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۴۶-۳۴۷). زنان قربانی خشونت هرچند ممکن است از سرمایه اجتماعی چندانی برخوردار نباشند، از طریق حمایت‌های اجتماعی که از سوی خانواده و دوستان دریافت می‌کنند تا حد زیادی می‌توانند از خود در برابر خشونت محافظت نمایند (یونگ لارانس و لانه پورتر، ۲۰۰۴: ۶۷۸). کلی (۱۹۹۶) معتقد است که کمک‌های خانواده زن، همسایگان و آشنایان وی در ارتباط با موضوع مورد بررسی حیاتی است؛ مثلاً از طریق حمایت اطلاعاتی دریافتی درباره خشونت و نتایج آن، احتمال اینکه قربانی خشونت بر احساساتش فائق‌آید بیشتر است و به‌وسیله حمایت فراهم آمده بهتر می‌تواند احساساتش را اداره کند (دونهام، ۱۹۹۷: ۵). نتایج تحقیقات متعدد رابطه بین حمایت‌های عملی، عاطفی و اطلاعاتی دریافتی از سوی خانواده و دوستان را در غلبه بر مشکلات خانواده، محل کار و بحران‌های عاطفی نظیر نگرانی، افسردگی، عصبانیت، اضطراب و خشونت تأیید کرده‌اند (لی، ۲۰۰۵: ۱۹-۲۰).

فرانسیس فوکویاما نیز به ارتباط سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی اشاره‌ای مستقیم داشته و یکی از راه‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحرافات اجتماعی از قبیل جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، خشونت‌های خانوادگی اعم از همسرآزاری، کودک‌آزاری، سالمندآزاری، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی، خودکشی و سایر مشکلات اجتماعی معرفی می‌کند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۵).

به عقیده رابرت پاتنام، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند (کلدی، ۱۳۸۴: ۱۹۱). وی در مطالعاتش به پیوستگی

منفی قوی بین جرم‌های خشن و خشونت‌آمیز و سرمایه اجتماعی دست پیدا کرده بود و مدعی بود که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در صورت برابری سایر شرایط سطوح جرم و خشونت پایین خواهد آمد (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۵).

کلمن سرمایه اجتماعی را موازی با سرمایه اقتصادی، سرمایه فیزیکی و انسانی می‌داند و معتقد است اساس ناهمانندی این نوع سرمایه‌ها در ساختار روابط بین افراد قرار دارد (پوچین، ۲۰۰۶: ۱۷). به نظر کلمن سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند (کلمن، ۱۳۸۶: ۴۶۲). پیر بورديو سرمایه اجتماعی را مبتنی بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی می‌داند. وی معتقد است عضویت در یک گروه برای هریک از اعضایش از طریق حمایت یک سرمایه جمعی صلاحیتی فراهم می‌کند که آنها را مستحق اعتبار به معانی مختلف کلمه می‌کند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۸).

نان لین سرمایه اجتماعی را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. وی منابع نهفته و موقعیت‌های شبکه‌ای را دو عنصر مفهومی مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و برای سرمایه‌گذاری افراد در روابط و شبکه‌های اجتماعی سه گونه بازدهی مطرح می‌کند: سلامت جسمانی، سلامت روانی و رضایت از زندگی. سلامت جسمانی مستلزم حفظ توان کارکردی جسمانی و رهایی از بیماری‌ها و آسیب دیدگی‌هاست (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۰).

کاکس نیز معتقد است اگر افراد به یکدیگر اعتماد داشته باشند، روابطشان با خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران، بیماران، مراقبان بهداشتی، هم‌گروهی‌ها و اجتماعات مختلف مؤثرتر می‌شود. در صورتی که فقدان اعتماد با عدم پیروی از قوانین، رفتارهای ضد اجتماعی، جرم، خودکشی، خشونت، مسائل بهداشتی و سایر مسائل اجتماعی همراه خواهد بود (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۵).

پیشینه تجربی تحقیق

تحقیقی توسط لیلی پناغی و همکاران وی با عنوان «همسرآزاری و سلامت روانی: نقش حمایت اجتماعی و راهبردهای مقابله‌ای» در شهر تهران صورت گرفته است. برخی نتایج این تحقیق نشان داد که بین درآمد خانواده، تحصیلات، وضعیت شغلی و تجربه خشونت در خانواده اولیه با خشونت خانگی تفاوت معنی داری وجود دارد (پناغی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۹).

تحقیقی توسط فائزه محمدی با عنوان «بررسی همسرآزاری در شهر روانسر (کرمانشاه)» در سال ۱۳۸۴ با نمونه ۲۰۰ نفر زن متأهل شهر روانسر و از طریق ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفت. طبق برخی یافته‌های پژوهش، بین سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان رابطه معکوس و معنی داری وجود داشته است (محمدی، ۱۳۸۴: ۳).

تحقیقی توسط لیزا یونگ لارانس و ماریان لانه پورتر با عنوان «عضویت گروه اجتماعی به عنوان فرآیندی از سرمایه اجتماعی میان زنان نجات یافته از خشونت خانگی» با حجم نمونه ۴۱۲ نفر از زنان متأهل به صورت پیمایشی و به وسیله پرسش‌نامه اجرا شد. نتایج نشان داد که بین خشونت خانگی و حمایت دریافتی از شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد هرچه میزان اعتماد زنان به شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، بهتر می‌توانند در برابر خشونت به این حمایت‌ها اتکا کنند (یونگ لارانس و لانه پورتر، ۲۰۰۴: ۶۸۸).

تحقیقی توسط کاتریت دونهام تحت عنوان «حمایت اجتماعی برای زنی که در رابطه با جنس مخالف مورد خشونت واقع شده است»، با حجم نمونه ۳۰۶ نفر زن از دانشجویان دانشگاه ویندسور و با روش پیمایش انجام شد. نتایج نشان داد اکثر زنان ادعا داشتند که بیشترین کمک‌ها و حمایت‌های دریافتی در درجه اول از سوی دوستان و بعد از خانواده‌ها و فامیل بود. همچنین حمایت اجتماعی جز با بعد فیزیکی با دیگر ابعاد خشونت رابطه معنی داری داشته است (دونهام، ۱۹۹۷: ۵۴).

با توجه به مطالب ارائه شده در بخش چارچوب نظری و پیشینه عملی تحقیق می‌توان اذعان کرد که سرمایه اجتماعی نقش اساسی در جلوگیری و کاهش همسرآزاری دارد. در این میان، در نظریات پاتنام و فوکویاما هنجارهای اعتماد و هم‌یاری درون شبکه‌های اجتماعی، منابع

سرمایه‌ای هستند که ذاتاً اجتماعی بوده و با حل مشکلات در سطح جامعه و خانواده زمینه را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌سازد. پاتنام همچنین حمایت اجتماعی و اعتماد را دارایی‌هایی مهم یاد کرده و با طرح سرمایه اجتماعی به نقش خانواده در حمایت اجتماعی بیشتر صحنه گذاشته است. کلمن نیز حضور سرمایه اجتماعی در شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی را منبعی برای سرمایه انسانی قلمداد می‌کند و اصولاً آن را ویژگی ساختار اجتماعی معرفی می‌کند که می‌تواند منبعی برای افراد و تسهیل مشکلات و مسائل آنان باشد. نان لین بازده و منافع سرمایه اجتماعی در سطح فردی را در طبقه‌بندی کلی برحسب کنش‌های ابزاری یا اظهاری فرد، در دو دسته قدرت، ثروت و حیثیت از یک سو و سلامت روانی، سلامت جسمانی و رضایت از زندگی و کاهش خشونت از سوی دیگر، تعریف می‌نماید که فرد به‌واسطه میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی آن‌ها را به دست می‌آورد. بورديو نیز سرمایه اجتماعی را در شکل حمایت خانوادگی، منبع سرمایه فرهنگی می‌داند و منظور از سرمایه اجتماعی منافع و منابعی است که افراد به‌واسطه عضویت در شبکه‌ها به دست می‌آورند و بدین صورت می‌توانند از این منابع در بسیاری از بحران‌های زندگی استفاده بهینه به عمل آورند. از طرفی، در ارتباط با بعد اعتماد (اعتماد بین شخصی) طبق نظر کاکس علت بسیاری از انحرافات اجتماعی از قبیل خشونت، خودکشی و... بی‌اعتمادی است. وی تأکید می‌کند اعتماد در بهبود سلامتی و بهتر شدن روابط در خانواده نقش بسزایی دارد.

با در نظر گرفتن مطالب مورد بحث در پژوهش حاضر، به‌طور کلی می‌توان گفت اعتماد بین شخصی و مخصوصاً بعد حمایت اجتماعی، که افراد آن را از طریق شبکه‌های اجتماعی به‌صورت حمایت‌های مالی، عاطفی، اطلاعاتی، عملی و ابزاری و به اشکال دیگر دریافت می‌کنند، نقش حیاتی در کاهش بسیاری از وقایع ناگوار زندگی علی‌الخصوص همسرآزاری ایفا می‌کند. حال با الهام از دیدگاه‌های نظری و تجربی، فرضیه‌ها و مدل تحلیلی زیر قابل استنباط است:

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

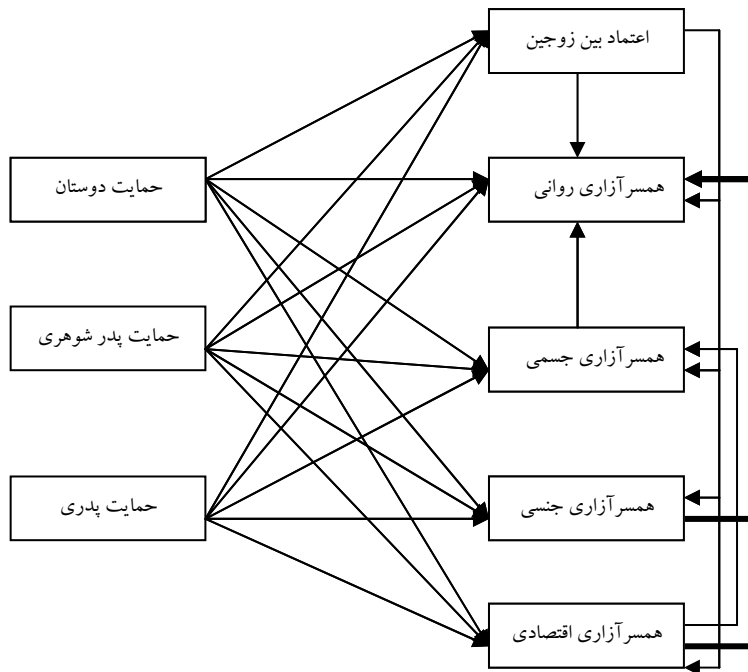
بین سرمایه اجتماعی (و ابعاد آن) و همسرآزاری (و ابعاد آن) در بین زنان متأهل رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های اختصاصی

بین حمایت خانواده پدری و همسرآزاری (و ابعاد آن) در بین زنان متأهل رابطه وجود دارد.
بین حمایت خانواده پدرشوهری و همسرآزاری (و ابعاد آن) در بین زنان متأهل رابطه وجود دارد.

بین حمایت دوستان و همسرآزاری (و ابعاد آن) در بین زنان متأهل رابطه وجود دارد.
بین اعتماد میان زن و شوهر و همسرآزاری (و ابعاد آن) در بین زنان متأهل رابطه وجود دارد.

مدل تحلیلی برآمده از فرایند پژوهش



روش شناسی

روش تحقیق به کاررفته در این پژوهش، بر اساس هدف تحقیق، از نوع کاربردی و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه زنان متأهل شهر تبریز است که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۳۷۸۴۶۰ نفر زن متأهل هستند که از این میان، ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به نسبت ۸ منطقه شهرداری و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب گردیدند. جدول ۱ تعداد نمونه اختصاصی را به تفکیک مناطق نشان می‌دهد.

جدول ۱. تعداد نمونه‌های تخصیص یافته به نسبت مناطق شهرداری

مناطق شهرداری	کل جمعیت زنان متأهل به تفکیک منطقه	تعداد نمونه اختصاصی
منطقه ۱	۸۳۳۵۰	۸۵
منطقه ۲	۷۷۵۹۳	۷۹
منطقه ۳	۹۱۵۶۳	۹۳
منطقه ۴	۸۲۰۴۴	۸۳
منطقه ۵	۱۸۳۶۷	۱۹
منطقه ۶	۷۰۰۸	۷
منطقه ۷	۱۳۳۷۸	۱۳
منطقه ۸	۵۱۸۴	۵
جمع کل	۳۷۸۴۶۰	۳۸۴

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر سرمایه اجتماعی

تعریف مفهومی: سرمایه اجتماعی دربرگیرنده توانایی عاملان اجتماعی در تأمین منافعشان از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی است (هامپرز، ۲۰۰۵: ۲۳). سرمایه اجتماعی ابعاد زیادی دارد. در تحقیق حاضر ابعاد حمایت اجتماعی و اعتماد بین شخصی مدنظر بوده‌اند.

تعریف مفهومی حمایت اجتماعی: امکاناتی است که در پی ارتباط با دیگران فراهم می‌آید. خانواده، دوستان و همکاران دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن‌ها را به کار گیرد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۶).

تعریف عملیاتی: بعد حمایت اجتماعی در این تحقیق شامل سه مؤلفه حمایت خانواده پدری زن، حمایت خانواده همسر و حمایت دوستان است:

حمایت خانواده پدری زن: این بعد شامل حمایت‌های عاطفی، اقتصادی و اطلاعاتی است که زن از خانواده پدری‌اش دریافت می‌کند و برای سنجش آن از معرف‌هایی چون احترام خانواده پدری به زن، رابطه نزدیک و صمیمی با خانواده پدری، در میان گذاشتن مشکلات با خانواده پدری، حمایت و مساعدت خانواده پدری از هر حیث، حمایت مالی از سوی خانواده پدری، تماس تلفنی با خانواده پدری، دیدار خانواده پدری با زن، دریافت حمایت‌های عاطفی، میزان رضایت روابط با خانواده پدری، و میزان احساس دلتنگی خانواده پدری از ندیدن زن استفاده شده است.

حمایت خانواده همسر زن: دربرگیرنده مجموع حمایت‌های عاطفی، مالی و اطلاعاتی است که زن از خانواده شوهری‌اش دریافت می‌کند و برای سنجش آن از معرف‌هایی مانند احترام خانواده شوهر به زن، رابطه نزدیک و صمیمی با خانواده شوهر، در میان گذاشتن مشکلات با خانواده شوهر، حمایت و مساعدت خانواده شوهر از هر حیث، حمایت مالی از سوی خانواده شوهر، تماس تلفنی خانواده شوهر، دیدار خانواده شوهر با زن، دریافت حمایت‌های عاطفی، میزان رضایت روابط با خانواده شوهر، و میزان احساس دلتنگی خانواده شوهر از ندیدن زن استفاده شده است:

حمایت دوستان: شامل حمایت‌هایی است که زن در مواجهه با همسرآزاری می‌تواند از سوی دوستان دریافت کند. این بعد از حمایت دربرگیرنده سنجه‌هایی نظیر میزان قابل اعتماد بودن دوستان، میزان رازداری دوستان، در میان گذاشتن مشکلات با دوستان، و شریک غم دانستن دوستان است.

تعریف مفهومی اعتماد بین شخصی: اعتماد بین شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره‌به‌چهره خود را نشان می‌دهد و این نوع اعتماد حداقل بین دو نفر است. اعتماد متقابل بین شخصی را می‌توان به معنی داشتن حسن ظن فرد به سایر افراد جامعه (اعضای شبکه) تعریف کرد که موجب گسترش و تسهیل هرچه بیشتر روابط اجتماعی فرد با آن‌ها و در نتیجه تقویت و تداوم رابطه می‌گردد (باستانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴).

تعریف عملیاتی اعتماد بین شخصی: این بعد از سرمایه اجتماعی دربرگیرنده میزان اعتماد متقابل است که زن و شوهر در زندگی زناشویی به همدیگر دارند. متغیر یادشده توسط معرف‌هایی مانند میزان عمل به قول متقابل، میزان رک‌گویی بین زن و شوهر، میزان انتقادپذیری متقابل، میزان همکاری متقابل، میزان وفاداری متقابل، میزان تفاهم متقابل، میزان خیرخواهی متقابل و میزان اطمینان به حرف‌های همدیگر سنجیده شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر همسرآزاری

تعریف مفهومی: رفتاری که به وسیله مردان برای کنترل همسرانشان اعمال و باعث آسیب‌های روانی، فیزیکی و جنسی می‌شود و انزوای اجتماعی یا محرومیت اقتصادی را در پی دارد، به گونه‌ای که زن در ترس و وحشت زندگی می‌کند (اعظم‌زاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۱۶۷). همسرآزاری در پژوهش حاضر در ابعاد فیزیکی، اقتصادی، روانی و جنسی مورد بررسی قرار گرفته است:

همسرآزاری روانی: هر نوع رفتار و گفتار خشنی است که سلامت روحی و روانی فرد را با خطر مواجه نماید یا رفتار خشونت‌آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه‌دار می‌کند (کار، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

تعریف عملیاتی: همسرآزاری روانی نمره‌ای است که از پرسش‌نامه سنجش خشونت خانوادگی در مورد زنان به دست می‌آید و با معرف‌هایی نظیر دادزدن، فحش و ناسزا و لعنت کردن، جلوگیری از دیدار فامیل و مواردی مانند آن سنجیده شده است. همسرآزاری فیزیکی: این خشونت به هر گونه رفتار غیراجتماعی که جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد اطلاق می‌گردد (کار، ۱۳۸۷: ۲۹۲).

تعریف عملیاتی: همسرآزاری فیزیکی نمره‌ای است که از پرسش‌نامه سنجش خشونت خانوادگی در مورد زنان به دست می‌آید و برای سنجش آن، از معرف‌هایی چون شکستن اشیا، هل دادن، سیلی زدن و مواردی مانند آن استفاده شده است. همسرآزاری جنسی: مجبور کردن برای تماس جنسی بدون توافق کامل یا هر نوع رفتار جنسی خشنی است که از روی قصد و نیت جهت تهدید، سوء استفاده و صدمه جنسی انجام می‌شود (محبی، ۱۳۸۰: ۹).

تعریف عملیاتی: همسرآزاری جنسی نمره‌ای است که از پرسش‌نامه سنجش خشونت خانوادگی در مورد زنان به دست می‌آید و با معرف‌هایی نظیر برقراری رابطه جنسی بدون تمایل زن، ناراضی‌تبی از رابطه جنسی و مواردی مانند آن سنجیده شده است.

همسرآزاری اقتصادی: هر نوع رفتار خشنی است که از روی قصد و نیت زن را در امور مربوط به اشتغال، اقتصاد و دارایی تحت فشار و آزار و تبعیض قرار می‌دهد (محبی، ۱۳۸۰: ۸).

تعریف عملیاتی: همسرآزاری اقتصادی نمره‌ای است که از پرسش‌نامه سنجش خشونت خانوادگی در مورد زنان به دست می‌آید و برای سنجش این بعد، معرف‌هایی مانند برآورده نکردن نیازهای زن و کنترل رفتار زن با استفاده از منابع مالی مد نظر بوده است.

کیفیت وسیله اندازه‌گیری

در بخش کیفیت وسیله اندازه‌گیری، اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری از مقولات اساسی است. با توجه به اینکه همسرآزاری به عنوان یک سازه مطرح است، بنابراین برای سنجش آن از معرف‌های همسرآزاری فیزیکی، همسرآزاری روانی، همسرآزاری جنسی و همسرآزاری اقتصادی استفاده گردید. به عبارتی، این پرسش‌نامه دارای ۴ خرده‌مقیاس است که از طریق تحلیل عاملی به دست آمده است. پرسش‌نامه همسرآزاری^{۹۸} شامل ۳۲ ماده و ۴ عامل است. عامل اول، دربرگیرنده خشونت روانی؛ عامل دوم، خشونت فیزیکی؛ عامل سوم و چهارم، به ترتیب شامل خشونت جنسی و خشونت اقتصادی است. این پرسش‌نامه توسط خاقانی‌فرد (۱۳۸۲) در ایران ترجمه و هنجاریابی شده است که ضریب پایایی درونی و آلفای کرونباخ آن در یک نمونه ۶۰ نفری ۰/۹۷ به دست آمده است (رحیمی، ۱۳۸۷). در تحقیق حاضر نیز اعتبار و پایایی مقیاس مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت تأیید شد. برای ارزیابی اعتبار وسیله اندازه‌گیری از اعتبار محتوایی^{۹۹} استفاده شد. بدین معنی که برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری از نظر استادان فن برای بررسی فضای مفهومی استفاده شد. همچنین برای ارزیابی پایایی وسیله اندازه‌گیری در ارتباط با سازه همسرآزاری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده

¹ Spouse abuse questionnaire

² Content validity

گردید. مقدار ضرایب حاصله بالاتر از ۰/۶ بوده که این امر نشان می‌دهد پایداری درونی بین گویه‌ها در حد قابل قبولی بوده است. جدول ۲ ضریب آلفای کل مقیاس همسرآزاری و همچنین ضریب پایایی به تفکیک ابعاد چهارگانه این مقیاس را نشان می‌دهد:

جدول ۲. ضریب پایایی برای متغیر وابسته (همسرآزاری)

ابعاد همسرآزاری	ضریب پایایی به دست آمده برای هر بعد	ضریب پایایی کل
همسرآزاری روانی	۰/۹۳۱	۰/۹۵۸
همسرآزاری فیزیکی	۰/۹۸۱	
همسرآزاری جنسی	۰/۹۰۳	
همسرآزاری اقتصادی	۰/۸۱۷	

برای ارزیابی اعتبار سازه‌ای^۱ مرتبط با سازه سرمایه اجتماعی از روش تحلیل عاملی^۲ استفاده شد. نتیجه نهایی اینکه تعداد ابعاد قابل قبول برای سازه سرمایه اجتماعی چهار عامل حمایت خانواده پدری، حمایت خانواده شوهر، حمایت دوستان و اعتماد بین شخصی تشخیص داده شدند. همچنین برای برآورد ثبات درونی گویه‌هایی که برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی اختصاص یافته بودند، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب پایایی به دست آمده نشان می‌دهد که گویه‌ها از همبستگی درونی بسیار بالایی برخوردارند. در جدول ۳ تحلیل پایایی گویه‌های مرتبط با متغیر سرمایه اجتماعی و نتایج ابعاد تحلیل عاملی سرمایه اجتماعی نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی گویه‌ها و ضریب پایایی هر یک از ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی

ضریب پایایی کل	ضریب پایایی هر عامل	مقادیر ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	گویه‌ها	سرمایه اجتماعی
۰/۹۰۱	۰/۹۱۲	۵/۲۴	۱۶/۲۶	۰/۵۳۶	میزان احترام	
				۰/۷۵۱	میزان صمیمیت	
				۰/۵۲۱	میزان مشورت	
				۰/۶۴۲	حمایت از هر حیث	

¹ Construct validity

² Factor analysis

				۰/۴۱۳	حمایت اقتصادی	حمایت خانواده پدری
				۰/۸۴۰	میزان تماس تلفنی	
				۰/۶۳۴	میزان دیدار	
				۰/۸۵۱	حمایت‌های عاطفی	
				۰/۸۹۹	میزان رضایت	
				۰/۸۴۶	میزان دل‌تنگی خانواده	
۰/۹۳۸	۷/۶۶	۲۰/۵۹	۰/۶۷۰	میزان احترام	حمایت خانواده شوهر	
			۰/۷۳۰	میزان صمیمیت		
			۰/۷۹۴	میزان مشورت		
			۰/۸۴۰	حمایت از هر حیث		
			۰/۷۷۸	حمایت اقتصادی		
			۰/۸۱۴	میزان تماس تلفنی		
			۰/۸۴۲	میزان دیدار		
			۰/۸۴۴	حمایت‌های عاطفی		
			۰/۷۵۳	میزان رضایت		
			۰/۸۳۰	میزان دل‌تنگی خانواده		
۰/۸۲۳	۳/۸۲۰	۱۰/۹۱۴	۰/۸۳۳	به فکر سعادت بودن	حمایت دوستان	
			۰/۸۴۰	میزان اعتماد		
			۰/۷۴۸	میزان صاف بودن		
			۰/۸۰۰	میزان رازداری دوستان		
			۰/۵۷۱	یار بودن		
			۰/۳۴۳	میزان دل‌تنگی دوستان		
			۰/۳۸۸	شریک غم دانستن		
۰/۸۱۸	۳/۹۳۱	۱۱/۲۳۳	۰/۶۶۵	عمل به قول	اعتماد بین زن و شوهر	
			۰/۴۴۸	رک گویی		
			۰/۶۶۷	انتقادپذیری		
			۰/۶۳۰	همکاری متقابل		
			۰/۷۹۷	وفاداری		
			۰/۷۳۰	تفاهم		
			۰/۶۰۲	خیرخواهی		

			۰/۸۰۵	اطمینان به گفته‌ها
کل واریانس تبیین شده = ۵۹/	آزمون بارتلت = ۸۴۱۹/۲۰۲	آزمون کایزر = ۹۰۳/		

یافته‌های توصیفی تحقیق

الف) سرمایه اجتماعی

بر اساس یافته‌ها، میانگین سرمایه اجتماعی کل در بین آزمودنی‌ها در حد متوسط به بالا است. به‌طور کلی می‌توان گفت که میزان حمایت‌های دریافتی زنان از خانواده پدری زیاد بوده و در این میان زنان کمترین میزان حمایت را از دوستانشان دریافت کرده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. نمرات استاندارد آماره‌های توصیفی ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی

چولگی	انحراف معیار	میانگین	ابعاد
-۰/۹۰	۲۲/۹۷	۷۱/۲۴	حمایت خانواده پدری
-۰/۱۳	۲۵/۶۰	۵۴/۳۹	حمایت خانواده پدرشوهری
-۰/۰۶	۱۹/۹	۴۷/۵۰	حمایت دوستان
-۰/۴۹	۲۰/۴۳	۶۹/۱۴	اعتماد بین شخصی
-۰/۲۳	۱۷/۲۷	۵۷/۹۷	سرمایه اجتماعی

ب) همسرآزاری

بر اساس یافته‌ها در بین انواع همسر آزاری‌ها میانگین همسر آزاری روانی در بین زنان بیشترین مقدار را داشته و همسر آزاری فیزیکی زنان پایین‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است (جدول ۵). به‌طور تلویحی این یافته نشان می‌دهد که گذار از همسر آزاری فیزیکی به همسر آزاری روانی صورت پذیرفته است.

جدول ۵. نمرات استاندارد آماره‌های توصیفی ابعاد متغیر همسر آزاری

چولگی	انحراف معیار	میانگین	ابعاد
۱/۲۶	۲/۴۳	۲۰/۸۲	همسر آزاری روانی
۳/۲۲	۱۸/۵۱	۷/۶۲	همسر آزاری فیزیکی
۱/۷۸	۲/۵۳	۱۴/۲۶	همسر آزاری جنسی
۱/۹۱	۲۷/۶۴	۱۵/۴۰	همسر آزاری اقتصادی
۱/۶۵	۲۱/۰۹	۱۶/۵۷	همسر آزاری

یافته‌های استنباطی دومتغیره و چندمتغیره

برای سنجش همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی با ابعاد چهارگانه (حمایت خانواده پدری، حمایت خانواده شوهری، حمایت دوستان و اعتماد بین زن و شوهر) و همسرآزاری در ابعاد چهارگانه (همسرآزاری فیزیکی، همسرآزاری روانی، همسرآزاری جنسی و همسرآزاری اقتصادی) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد:

رابطه خطی بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با همسرآزاری روانی به تأیید رسید، در ضمن، همبستگی کلیه ابعاد سرمایه اجتماعی با همسرآزاری روانی بجز بعد حمایت دوستان با اطمینان ۹۹ درصد و سطح معنی داری ۰/۰۱ معنی دار واقع شد. بعد مذکور نیز در سطح معنی داری ۰/۰۵ با همسرآزاری روانی همبستگی معنی دار و معکوسی داشت. شدت همبستگی سرمایه اجتماعی کل و ابعاد حمایت خانواده پدری و اعتماد بین زن و شوهر با متغیر همسرآزاری روانی متوسط و با ابعاد حمایت خانواده پدری و حمایت دوستان ضعیف است، همچنین نوع رابطه معکوس است؛ بدین معنی که هرچه سرمایه اجتماعی زنان پایین باشد همسرآزاری روانی بیشتر است.

همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی و سه بعد آن (حمایت خانواده پدری، حمایت خانواده شوهر و اعتماد بین زن و شوهر) در سطح معنی داری ۰/۰۱، و بعد حمایت دوستان در سطح معنی داری ۰/۰۵، با همسرآزاری فیزیکی معنی دار است، نوع رابطه نیز معکوس و منفی است.

همبستگی بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بجز حمایت خانواده پدری با همسرآزاری جنسی در سطح معنی داری ۰/۰۱ به تأیید رسید، نوع رابطه نیز معکوس است. رابطه خطی بین سرمایه اجتماعی و تمامی ابعاد با همسرآزاری اقتصادی با اطمینان ۹۹ درصد و سطح معنی داری ۰/۰۱ مورد تأیید واقع شد، شدت همبستگی سرمایه اجتماعی کل، متوسط و نوع رابطه‌ها نیز معکوس است.

همبستگی بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با همسرآزاری کل نیز با سطح معنی داری ۰/۰۱ به تأیید رسید، همچنین نوع رابطه معکوس است، بدین نحو که هرچه سرمایه اجتماعی کل و ابعاد آن در سطح پایین باشد همسرآزاری بالاتر خواهد بود (جدول ۶).

جدول ۶. آزمون همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی و همسرآزاری

متغیر	حمایت خانواده پدری	حمایت شوهر	حمایت دوستان	اعتماد بین زن و شوهر	سرمایه اجتماعی
همسرآزاری روانی	xx-۰/۱۶۹	xx-۰/۳۷۰	x-۰/۱۳۱	xx-۰/۵۶۴	xx-۰/۴۷۰
همسرآزاری فیزیکی	xx-۰/۱۶۴	xx-۰/۲۱۱	x-۰/۰۹۹	xx-۰/۳۵۹	xx-۰/۱۷۰
همسرآزاری جنسی	-۰/۰۹۴	xx-۰/۱۶۲	xx-۰/۱۴۹	xx-۰/۳۰۷	xx-۰/۲۵۵
همسرآزاری اقتصادی	xx-۰/۱۵۷	xx-۰/۲۴۷	xx-۰/۱۴۲	xx-۰/۴۵۵	xx-۰/۳۷۰
همسرآزاری کل	xx-۰/۱۸۵	xx-۰/۳۴۱	xx-۰/۱۴۶	xx-۰/۵۵۱	xx-۰/۴۶۲

xx: معنی داری در سطح ۰/۰۱

x: معنی داری در سطح ۰/۰۵

در تحلیل مسیر صورت گرفته، نتایج تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی (اعتماد بین زوجین، حمایت خانواده پدری زن، حمایت خانواده شوهری زن و حمایت دوستان) بر همسرآزاری به شرح زیر است: براساس شاخص‌های نیکویی برازش (خطا برابر ۰/۰۲، عدم معنی داری کای اسکویر، بالابودن میزان نیکویی برازش اصلاح شده) مدل آزمون شده مورد تأیید است.

اثر مستقیم متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری روانی ۰/۲۶- و معنی دار بوده است؛ تأثیر غیرمستقیم این متغیر بر همسرآزاری روانی یعنی از طریق متغیرهای همسرآزاری جسمی، جنسی و اقتصادی ۰/۲۵- و معنی دار برآورد شده و در مجموع این متغیر توانسته است ۰/۵۱- از تغییرات متغیر وابسته همسرآزاری روانی را تبیین نماید.

متغیر حمایت دوستان ۰/۰۲- تأثیر مستقیم و غیرمعنی دار بر متغیر همسرآزاری روانی داشته است. این متغیر از طریق متغیرهای همسرآزاری جسمی، جنسی، اقتصادی و متغیر اعتماد بین زوجین، ۰/۰۸- بر همسرآزاری روانی تأثیر غیرمستقیم و معنی دار داشته است. در مجموع این متغیر ۰/۱۰- تغییرات متغیر همسرآزاری روانی را تبیین کرده است. متغیر حمایت خانواده شوهر زن، از طریق متغیرهای همسرآزاری جسمی، جنسی، اقتصادی و اعتماد بین زوجین بر متغیر وابسته همسرآزاری روانی ۰/۱۴- اثر مستقیم و ۰/۲۲- اثر غیرمستقیم داشته است. متغیر حمایت خانواده شوهر در مجموع ۰/۲۲- درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری روانی را تبیین کرده است. متغیر حمایت خانواده پدری زن ۰/۰۵- اثر مستقیم و غیرمعنی دار و ۰/۰۸- تأثیر غیرمستقیم و

غیرمعنی دار و در مجموع ۱۳- بر متغیر همسرآزاری روانی تأثیر داشته است. متغیر همسرآزاری جسمی ۳۱/ درصد، متغیر همسرآزاری جنسی ۱۶/ درصد و متغیر همسرآزاری اقتصادی ۲۵/ درصد تأثیر مستقیم و معنی دار بر همسرآزاری روانی داشته‌اند. همچنین متغیر همسرآزاری اقتصادی ۱۴/ بر متغیر همسرآزاری روانی اثر غیرمستقیم داشته و در مجموع ۳۹/ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری روانی را تبیین کرده است. نتیجه بارز اینکه سه متغیر اعتماد بین زوجین، همسرآزاری اقتصادی و حمایت خانواده شوهر بیشترین تأثیر را بر همسرآزاری روانی داشته‌اند. به این نحو که براساس یافته‌ها زمانی از احساس آزاردگی روانی زنان مورد مطالعه کاسته می‌شود که الف) شوهر به لحاظ اقتصادی زن را در تنگنا قرار ندهد و آزادی نسبی نیز به وی اعطا نماید ب) بین زن و شوهر اعتماد بالایی وجود داشته باشد و ج) خانواده شوهر از عروس خانواده حمایت لازم را انجام دهند.

اثر مستقیم متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری جسمی ۱۴- بوده است. این متغیر از طریق متغیر همسرآزاری اقتصادی ۱۸- درصد اثر غیرمستقیم و معنی دار بر همسرآزاری جسمی داشته و در مجموع ۳۲- درصد از تغییرات متغیر وابسته همسرآزاری جسمی را تبیین کرده است. متغیر حمایت دوستان ۰۲- تأثیر مستقیم غیرمعنی دار و همچنین ۰۶- درصد تأثیر غیرمستقیم از طریق متغیرهای اعتماد بین زوجین و همسرآزاری اقتصادی بر متغیر همسرآزاری جسمی داشته است؛ متغیر مذکور در کل ۰۸- تأثیر غیرمعنی دار بر همسرآزاری جسمی داشته است. متغیر حمایت خانواده شوهر ۰۳- تأثیر مستقیم غیرمعنی دار بر متغیر همسرآزاری جسمی داشته است؛ ولی متغیر مذکور از طریق متغیرهای اعتماد بین زوجین و همسرآزاری اقتصادی ۱۴- تأثیر غیرمستقیم و معنی دار بر متغیر وابسته همسرآزاری جسمی داشته است و در مجموع ۱۷- درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جسمی را برآورد کرده است. تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیر حمایت خانواده پدری بر متغیر همسرآزاری جسمی به ترتیب ۰۵-، ۰۴- و ۰۹- و غیرمعنی دار بوده است. متغیر همسرآزاری اقتصادی نیز ۴۳/ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جسمی را تبیین می‌کند. نکته مهم اینکه همسرآزاری اقتصادی و اعتماد بین زن و شوهر بیشترین تأثیر را بر متغیر همسرآزاری جسمی داشته‌اند.

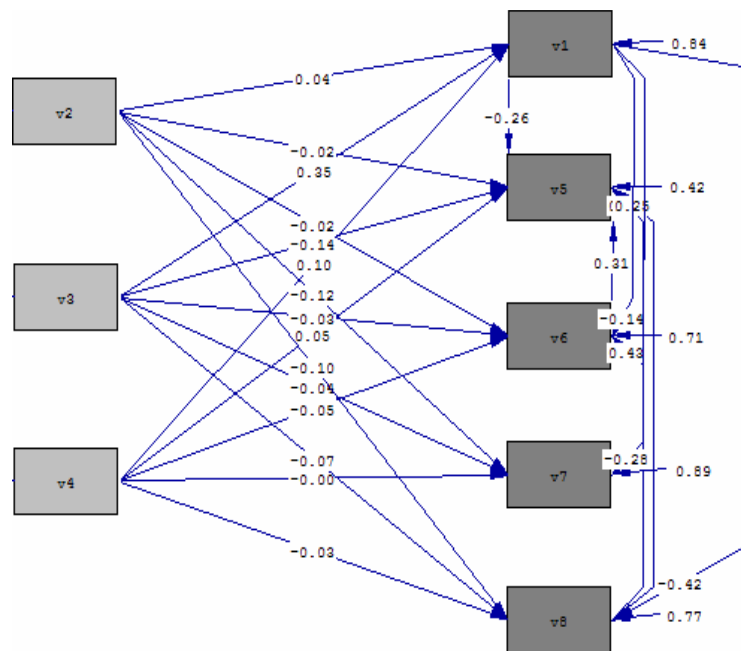
اثر مستقیم متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری جنسی ۰/۲۸- و معنی دار بوده است؛ اثر مستقیم متغیر حمایت دوستان بر متغیر همسرآزاری جنسی نیز ۰/۱۲- و معنی دار بوده است، ولی اثر غیرمستقیم این متغیر بر متغیر همسرآزاری جنسی از طریق متغیر اعتماد بین زوجین ۰/۰۱- و غیرمعنی دار بوده است و در مجموع متغیر مذکور ۰/۱۳- درصد از تغییرات متغیر وابسته همسرآزاری جنسی را برآورد می کند. متغیر حمایت خانواده شوهری ۰/۰۴- اثر مستقیم غیرمعنی دار و ۰/۱۰- درصد اثر غیرمستقیم و معنی دار از طریق متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری جنسی داشته است و در مجموع ۰/۱۴- درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جنسی را تبیین کرده است. متغیر حمایت خانواده پدری ۰/۰۱- اثر مستقیم و ۰/۰۳- اثر غیرمستقیم و در مجموع ۰/۰۴- درصد تأثیر بر متغیر همسرآزاری جنسی داشته است. گفتنی است کلیه اثرات مذکور بر متغیر همسرآزاری جنسی غیرمعنی دار بوده است. در این میان متغیر اعتماد بین زوجین بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته همسرآزاری جنسی داشته است.

متغیر اعتماد بین زوجین ۰/۴۲- درصد تأثیر مستقیم بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است. اثر مستقیم متغیر حمایت دوستان بر متغیر همسرآزاری اقتصادی ۰/۱۰- و معنی دار بوده است، ولی تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری اقتصادی ۰/۰۲- و غیرمعنی دار است، تأثیر کل متغیر حمایت دوستان بر متغیر وابسته همسرآزاری اقتصادی نیز ۰/۱۲- درصد برآورد گردید. متغیر حمایت خانواده شوهر نیز ۰/۰۷- اثر مستقیم و غیرمعنی دار بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است؛ همچنین، این متغیر از طریق متغیر اعتماد بین زوجین ۰/۱۴- تأثیر غیرمستقیم و معنی دار بر همسرآزاری اقتصادی داشته است و در مجموع متغیر مذکور توانسته است ۰/۲۱- درصد از تغییرات همسرآزاری اقتصادی را تبیین کند. متغیر حمایت خانواده پدری ۰/۳۰- اثر مستقیم و غیرمعنی دار و ۰/۰۴- اثر غیرمعنی دار از طریق متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است؛ همچنین اثر کل این متغیر بر متغیر وابسته همسرآزاری اقتصادی ۰/۰۷- و غیرمعنی دار برآورد شده است. در این بین، متغیر اعتماد بین زوجین بیشترین تأثیر را بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است (جدول ۷ و شکل ساختاری ۱).

جدول ۷. تحلیل مسیر میزان ابعاد همسرآزاری براساس متغیرهای مستقل

اثرات تحلیل نشده	اثرات تحلیل شده	اثر کل	نوع اثر		متغیر وابسته	متغیرهای مستقل
			اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم		
/۴۲	/۵۸	-/۵۱	-/۲۵	-/۲۶	همسرآزاری (V5) روانی	(V1) اعتماد بین زوجین
		-/۱۰	-/۰۸	-/۰۲		(V2) حمایت دوستان
		-/۳۶	-/۲۲	-/۱۴		(V3) حمایت پدر شوهری
		-/۱۳	-/۰۸	/۰۵		(V4) حمایت پدری
		/۳۱	-	/۳۱		(V6) همسرآزاری جسمی
		/۱۶	-	/۱۶		(V7) همسرآزاری جنسی
		/۳۹	/۱۴	/۲۵		(V8) همسرآزاری اقتصادی
		/۷۱	/۲۹	-/۳۲		-/۱۸
-/۰۸	-/۰۶			-/۰۲	(V2) حمایت دوستان	
-/۱۷	-/۱۴			-/۰۳	(V3) حمایت پدر شوهری	
-/۰۹	-/۰۴			-/۰۵	(V4) حمایت پدری	
/۴۳	-			/۴۳	(V8) همسرآزاری اقتصادی	
/۸۹	/۱۱	-/۲۸	-	-/۲۸	همسرآزاری (V7) جنسی	(V1) اعتماد بین زوجین
		-/۱۳	-/۰۱	-/۱۲		(V2) حمایت دوستان
		-/۱۴	-/۱۰	-/۰۴		(V3) حمایت پدر شوهری
		-/۰۴	-/۰۳	/۰۱		(V4) حمایت پدری
/۶۷	/۳۳	-/۴۲	-	-/۴۲	همسرآزاری (V8) اقتصادی	(V1) اعتماد بین زوجین
		-/۱۲	-/۰۲	-/۱۰		(V2) حمایت دوستان
		-/۲۱	-/۱۴	-/۰۷		(V3) حمایت پدر شوهری
		-/۰۷	-/۰۴	-/۰۳		(V4) حمایت پدری
کمیت x2	درجه آزادی	سطح معنی داری	نیکیوی برازش (Goodness of Fit Index (GFI)	نیکیوی برازش اصلاح شده (Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)	خطا (Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)	
۹۰/۹۸	۲	/۵	/۹۸	/۹۴	/۰۲	

شکل ساختاری ۱. تعیین مسیر تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر ابعاد همسرآزاری



نتیجه گیری

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی در ابعاد چهارگانه با متغیر همسرآزاری بود. نتایج حاکی از آن است که همسرآزاری روانی با ۲۳ درصد، بیشترین میزان را در بین سایر ابعاد به خود اختصاص داده است، بدین معنی که اغلب زنان دچار همسرآزاری روانی بوده‌اند؛ از طرفی، میانگین به‌دست آمده برای همسرآزاری کل در حد کمی برآورد گردید؛ همچنین میانگین به‌دست آمده برای متغیر سرمایه اجتماعی، در کل، در حد زیادی قرار داشت. در ضمن، رابطه خطی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی کل و ابعاد مربوطه با همسرآزاری کل و ابعاد آن (بجز بعد همسرآزاری جنسی متغیر همسرآزاری با بعد حمایت خانواده پدری) تأیید شد، نوع رابطه نیز معکوس بود. بدین معنی که هرچه سرمایه اجتماعی زنان مورد مطالعه بیشتر باشد، همسرآزاری نیز پایین تر خواهد بود؛ برعکس، هرچه سرمایه اجتماعی زنان در سطح پایینی قرار داشته باشد همسرآزاری نیز بیشتر است.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نیز حاکی از این بود که بعد اعتماد بین شخصی متغیر سرمایه اجتماعی در پیش‌بینی و تبیین ابعاد چهارگانه همسرآزاری (همسرآزاری روانی، جسمی، جنسی و فیزیکی) بیشترین تأثیر را داشته است؛ همچنین در این تحلیل، همسرآزاری اقتصادی بخش عمده‌ای از تغییرات همسرآزاری روانی و همسرآزاری جسمی را تبیین کرده است. از طرفی، نظریه‌ها و پیشینه‌های مطرح شده در بخش چارچوب نظری و پیشینه تجربی نیز بر نقش سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در کاهش خشونت، به‌ویژه تأثیر آن در جلوگیری از بروز و کاهش پدیده همسرآزاری مؤید نتیجه پژوهش است:

مطابق نظریه کلی، حمایت‌های دریافتی از سوی آشنایان تأثیر به‌سزایی در کاهش خشونت‌های خانگی دارد. همچنین کاپلان معتقد است که حمایت اجتماعی نقشی اساسی در فائق آمدن بر مشکلات زناشویی از جمله همسرآزاری دارد. در دیدگاه‌های کسل و کوب نیز بر نقش حمایت اجتماعی به‌عنوان ابزاری مهم در مقابله با مشکلات خانوادگی نظیر خشونت تأکید عمده‌ای شده است. کاکس نیز برای تأثیر اعتماد بین شخصی در کاهش بحران‌های ناگوار زندگی مانند خشونت اهمیت اساسی قائل بود. همچنین فوکویاما کمبود سرمایه اجتماعی را ریشه و عامل بسیاری از مشکلات اجتماعی نظیر خشونت و کودک‌آزاری می‌داند. رابرت پاتنام نیز معتقد بود افزایش سرمایه اجتماعی به میزان قابل توجهی سطوح رفتارهای خشونت‌آمیز را پایین می‌آورد. از نظر پاکستون سرمایه اجتماعی نیل به اهداف را برای افراد آسان می‌سازد و می‌تواند به صورت نهفته در درون گروه حفظ شود. به نظر وی، در سطح فردی سرمایه اجتماعی کالایی شخصی مانند سرمایه انسانی است که می‌تواند برای منفعت اقتصادی یا دیگر نتایج شخصی مورد استفاده قرار گیرد و به‌عنوان نوعی انرژی بالقوه در مواقعی نظیر خشونت‌های خانگی به کار برده شود. در تأیید نظریات بیان‌شده، نتایج تحقیقات پناغی و همکاران (۱۳۸۷)، صابریان (۱۳۸۲)، سفیری و میرزا محمدی (۱۳۸۵)، برناردا و همکاران (۲۰۰۸)، یونگ لارانس و لانه پورتر (۲۰۰۴) و دونهام (۱۹۹۷) حاکی از آن است که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و همسرآزاری رابطه معنی‌داری وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نتایج تحقیقات پیشین و محتوای نظریات مذکور با نتیجه تحقیق

حاضر همسو بوده و در جامعه آماری مورد مطالعه کاربردپذیر است. حال با توجه به نتایج به دست آمده می توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

با توجه به اهمیت پیش گیری از خشونت خانگی علیه زنان، به نظر می رسد با تدوین برنامه های پیش گیرانه و برنامه های مشاوره خانوادگی لازم برای زوجین از سوی نهادهای آموزشی و سایر نهادها، می توان در چند جهت گام برداشت: افزایش حمایت های غیررسمی از سوی خانواده های زوجین، افزایش سرمایه اجتماعی زنان خشونت دیده از طریق حمایت های رسمی از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی. همچنین مشخص شد که اعتماد بین زوجین به عنوان یکی از بعدهای اساسی سازه سرمایه اجتماعی، از عوامل مؤثر در پیش بینی و تبیین پدیده همسرآزاری است. لذا زوجین باید وقت زیادی را صرف تقویت ارتباط و اعتماد بین اعضای خانواده، مخصوصاً بین خودشان نمایند. البته باید توجه داشت که این ارتباط و اعتماد مبتنی بر صمیمیت و خالصانه باشد؛ چرا که فقط در این شرایط سرمایه اجتماعی در بین زوجین افزایش می یابد و منجر به کاهش اختلافات زناشویی از جمله خشونت می گردد. از طرفی با توجه به اینکه همسرآزاری اقتصادی تأثیر عمده ای در تبیین تغییرات همسرآزاری روانی و همسرآزاری جسمی داشته و از عوامل اصلی افزایش این دو نوع همسرآزاری محسوب می گردد، پیشنهاد می شود که با ارائه حمایت های اقتصادی و عاطفی لازم از سوی خانواده های زوجین زمینه برای جلوگیری از همسرآزاری اقتصادی، همسرآزاری روانی و همسرآزاری جسمی فراهم آید.

منابع

- احمدی، بتول و همکاران (۱۳۸۵) «تأثیر خشونت های خانگی بر سلامت روان زنان متأهل در تهران»، *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، دوره ۴، شماره ۲: ۳۵-۴۴.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳) «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۴: ۸۲-۴۷.
- اعظم آزاده، منصوره و راضیه دهقان فرد (۱۳۸۵) «خشونت علیه زنان در تهران: نقش جامعه پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۴، شماره ۱: ۱۷۹-۱۵۹.

- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴) اعتماد اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهیدبهبشتی.
- باستانی، سوسن و همکاران (۱۳۸۵) «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰: ۹۵-۶۳.
- برامکی یزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷) «عوامل مؤثر بر توسعه، مطالعه موردی: سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۶: ۱۸۵-۱۶۲.
- بهزاد، داود (۱۳۸۱) «سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶: ۵۳-۳.
- پناغی، لیلی و دیگران (۱۳۸۷) «بررسی سلامت روان زنان قربانی همسرآزاری در شهر تهران»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، سال پنجم، شماره ۱۷: ۷۹-۶۹.
- توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴) «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶: ۳۲-۱.
- ثامتی، ناهید (۱۳۷۵) ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای حمایت اجتماعی و بررسی رابطه آن و فشارهای دانشجویی با عملکرد تحصیلی، ویژگی‌های شخصیتی تیپ A، افسردگی و اضطراب در دانشجویان دانشگاه شهید چمران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران.
- حبیب‌پور، کرم و رضا صفری (۱۳۸۸) راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، تهران: لویه.
- خاقانی‌فرد، میترا (۱۳۸۲) بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب رساندن به همسر در زنان مورد خشونت قرار گرفته در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء.
- رحیمی، محمد (۱۳۸۷) نقش عوامل دموگرافیکی و شخصیتی در خشونت خانگی علیه زنان در استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- سفیری، خدیجه و مؤمنه میرزامحمدی (۱۳۸۵) «اعتماد به همسر: مطالعه موردی زنان شهر تهران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱: ۱۵۷-۱۲۵.

شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰) «سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۲: ۱۸-۵.

صابریان، معصومه و همکاران (۱۳۸۲) «بررسی عوامل مؤثر در بروز خشونت خانگی و روش‌های مقابله با آن از دیدگاه زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان سمنان در سال ۱۳۸۲»، مجله پزشکی قانونی، سال ۷، شماره ۳: ۳۴-۳۰.

عباس‌زاده، محمد و همکاران (۱۳۸۹) «سنجش میزان خشونت‌های خانوادگی علیه زنان و برخی عوامل مرتبط با آن در جامعه شهری پیرانشهر»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های پنهان، سندج: معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی استان کردستان. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵) پایان‌نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.

فیلد، جان (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: کویر. کار، مهرانگیز (۱۳۸۷) پژوهشی درباره خشونت علیه زنان، تهران: روشنگران و مطالعات زنان. کلدی، علیرضا (۱۳۸۴) «سرمایه اجتماعی و خانواده»، مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

کلمن، جیمز (۱۳۸۶) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی. محبی، فاطمه (۱۳۸۰) «خشونت علیه زنان»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۱۴: ۱۹-۶.

محمدخانی، پروانه و دیگران (۱۳۸۶) «آسیب‌شناسی روانی و مشکلات شخصی-ارتباطی زنان قربانی خشونت خانوادگی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۷: ۲۸-۹. محمدی، فائزه (۱۳۸۴) بررسی همسرآزاری در شهر روانسر (کرمانشاه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، شهر تبریز. مولوردی، شهیندخت (۱۳۸۵) کالبد شکافی خشونت علیه زنان، تهران: دانش‌نگار.

Bernarda, A. & B. Lilia (2008) "Violence against Women by Their Intimate Partner and Common Mental Disorders", *Social Science & Medicine*, 66: 1008-1018.

Bourdieu, P. (1984) *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*, London: Routledge.

- Coleman, J. S. (1988) "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal Sociology*, 94: 95-121.
- Dunham, K. (1997) *Social Support for Women Who Are Abused in Hetero Sexual Relationships*, Phd, Dissertation, Department of Psychology, University of Windsor, Canada.
- Fukuyama, F. (1982) *The Asymmetric Society*, Syracuse, New York: Syracuse University Press.
- Harne, L. & F. J. Rad (2008) *Tackling Domestic Violence*, New York: Open University Press.
- Henderson, K. A. et al., (2003) "Social Capital, Poverty, and Income Inequality as Predictors of Gonorrhoea, Syphilis, Chlamydia and AIDS Case Rates in The United States", *Journal of Public Health*, 79 (1): 62-4.
- Humpheries, S. E. (2005) *English and Social Capital in an American University in The Republic of Panama*, PhD, Dissertation, Submitted to the Department of Middle and Secondary Education, The Florida State University.
- Lee, B. (2005) *Alcohol-Induced Stress and Social Support as Influences of the Substance Abusers Health and Well-Being*, PhD Dissertation, School of Social Work, University of Pittsburgh.
- Pochin, L. (2006) *Exploration of Social Capital and Physical Activity Participation among Adults on Christmas, Island*, PhD Dissertation, School of Human Movement and Exercise Science & School of Social And Cultural Studies, University of Western Australia.
- Putnam, R. D. (1995) "Bowling Alone: America's Declining Social Capital", *Journal of Democracy*, 6 :65-78.
- Segal, U. (1999) "Family Violence: A Focus on India", *Aggression and Violent Behavior*, 4 (2): 213-231.
- Staggs, S. et al. (2007) "Intimate Partner Violence, Social Support and Post-Welfare Reform", *Journal of Interpersonal Violence*, 3: 345-367.
- Standley, K. (2006) *Family Law*, New York: Palgrave Macmillan.
- Young, L. L. and P. M. Lane (2004) " Support Group Membership as a Process of Social Capital Formation among Female Survivors of Domestic Violence", *Journal of Interpersonal Violence*, 19: 676-690.

